

Original Article

Avenzoar (Ibn Zuhr) Andalusian Famous Physician and Attysyr

Zahra Jalili¹

1. Assistant professor Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: zjalili@pnu.ac.ir

Received: 14 Jun 2016 Accepted: 23 Oct 2016

Abstract

The era of Muslim rule in Andalusia (present-day Spain) is the Islamic blessing era, which, in various fields of science, such as medical science, offered distinguished physicians to the humanity community, such as the family of ibn Zuhr. They had a special place in medicine, and among them Abdolmalek bin Zuhr, achieved a certain reputation. He had a lot of knowledge about clinical medicine, so that he has described very well some of the diseases, such as the diseases leading to gastric cancer. He wrote valuable books, the most famous of which is Attysyr. He also had a

Literary taste and sung the ethical poetries. This essay is preface to his thoughts and medical works that this goal was done by relying on sources such as the Great Islamic Encyclopedia, Dekhoda's Dictionary, Ibn-Khaldun's Introduction and other books and articles and other electronic and scientific databases by descriptive-analytical method. First as a preparation has introduced his birth place, and has expressed some of his medical comments. Then has introduced his books and later has described his famous book, Attysyr. And eventually has brought some verses from his poems and explained them. The result is that Ibn Zuhr was one of the medical specialists who were compared with great figures such as Galen, Razi and Avicenna. His book, which was the result of his clinical trials and observations, was so scientific that it was taught in European universities until the 18th century.

Keywords: Avenzoar (Ibn Zuhr); Physician; Muslim Andalusian; Attysyr

Please cite this article as: Jalili Z. Avenzoar (Ibn Zuhr) Andalusian Famous Physician and Attysyr. *Med Hist J* 2016; 8(28): 27-36.

ابن زهر طبیب شهیر اندلسی و کتاب التیسیر

زهر ا جلیلی^۱

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: zjalili@pnu.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲

چکیده

دوران حکومت مسلمانان در اندلس (اسپانیای کنونی) عصر شکوفایی اسلامی است که در زمینه‌های مختلف علمی از جمله علم پزشکی، طبیبان برجسته‌ای را به جامعه بشریت تقدیم نمود که از جمله آنان خاندان «ابن زهر» است. ایشان در علم طب از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند بودند و از میان آنان «عبدالملک بن زهر» مشهور به ابن زهر به شهرتی خاص دست یافت. وی در خصوص طب بالینی دارای دانش فراوانی شد، به گونه‌ای که برخی از بیماری‌ها، از جمله امراض منتهی به سرطان معده را به خوبی توصیف نموده است. او کتاب‌های ارزشمندی نگاشت که معروف‌ترین آن، «التیسیر» است. وی همچنین صاحب ذوقی ادبی بود و اشعاری حکمی نیز سرود. گفتار پیش رو مدخلی است بر معرفی این طبیب مسلمان اندلسی و آرا و آثار پزشکی او که این هدف را با تکیه بر منابعی چون دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، لغت‌نامه دهخدا، مقدمه ابن خلدون و کتب و مقالات و پایگاه‌های علمی دیگر با روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسانده است. ابتدا به عنوان مقدمه، خاستگاه وی را معرفی نموده و برخی از نظرات پزشکی او را بیان کرده است. آنگاه به معرفی آثار علمی وی پرداخته و در ادامه کتاب مشهور او، یعنی «التیسیر» را شرح نموده است و سرانجام ابیاتی از اشعار وی را آورده و تبیین نموده است. حاصل سخن آنکه «ابن زهر» از نوادر پزشکی بود که با بزرگانی چون جالینوس، رازی و ابن سینا مقایسه می‌شد. کتاب «التیسیر» وی که حاصل آزمایشات و مشاهدات بالینی اوست، از چنان وجاهت علمی برخوردار بود که تا قرن ۱۸ میلادی در دانشگاه‌های اروپایی تدریس می‌شد.

واژگان کلیدی: ابن زهر؛ طبیب؛ مسلمان اندلسی؛ التیسیر

مقدمه

آغاز حکومت مسلمین در اندلس (اسپانیای کنونی) که به سال ۹۲ ق. محقق شد، دوران شکوفایی و ازدهار آن دیار بود. دورانی که به مدت ۸ قرن، مسلمانان در آن آغازگر خیرات و برکاتی گردیدند که دنیا را مرهون خود نمود. ایشان در زمینه‌های مختلف علمی همچون صرف و نحو و لغت و تاریخ و جغرافیا و فقه و فلسفه و نجوم و موسیقی و ریاضی و طبیعی و طب و... سرآمد اقران شدند و در زمینه طب، فیلسوفان شهیری همچون ابن طفیل، ابن رشد و... را به جامعه بشری معرفی نمودند و بزرگانی مانند ابن باجه و غافقی و آل زهر در آن به برجستگی و شهرت رسیدند. فیلسوف شهیر ابن باجه، معاصر آل زهر بود و احمد بن محمد غافقی نیز، در زمینه شناخت دارو و گیاهشناسی اشتهار داشت و کتاب «الادویه المفردة» وی از شهرت خاصی برخوردار بود، البته غالب فلاسفه و علمای آن دیار به طب اشتغال داشتند و به آن به منزله کاری فرعی می‌نگریستند و در کنار آن به امور دیگری نیز می‌پرداختند، ولی در این میان «آل زهر، از جایگاه ویژه‌ای در فن طبابت بهره‌مند بود» (۱) و بنا بر نقل «معجم الأطباء»، اندلسی‌ها به این خاندان افتخار می‌نمودند (۲). ایشان در زمینه فقه و ادب نیز تبحر داشتند، ولی تخصص اصلی‌شان طب و پزشکی بود و آوازه آنان از اندلس و مغرب و مشرق و حتی اروپای مسیحی نیز فراتر رفته بود.

هدف تحقیق

مدخلی بر معرفی ابن زهر و آرا و آثار وی است.

روش تحقیق

روشی توصیفی - تحلیلی است. ابتدا اطلاعات آمده در منابع و مراجعی همچون دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، لغت‌نامه دهخدا، وفيات الاعیان، مقدمه ابن خلدون، تاریخ الادب العربی و... استخراج گردیده و سپس با کنار هم قراردادن مطالب، تحلیل شده است.

پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان بررسی نوشتار ابن زهر اشبیلی اندلسی بر اندیشه‌های طبی کتاب «التیسیر فی المداواة و التدبیر» نوشته هادی جاحد و همکاران چاپ فصلنامه تاریخ پزشکی و مقاله طب و داروسازی در اندلس اثر زهر الهویی انتشار یافته توسط پایگاه اینترنتی حوزه.

آل زهر

آل زهر خاندانی منسوب به ایاد بن معد بن عدنانند که بین قرون ۴ تا ۷ ق. / ۱۰ تا ۱۳ م. در جفن شاطبه در شرق اندلس سکونت داشتند و شخصیت‌های برجسته‌ای به عنوان فقیه و ادیب و وزیر و پزشک به جامعه اسلامی تقدیم نمودند و آنان به مدارج و مناصب علمی و سیاسی مهمی نیز دست یافتند (۳).

سرسلسله ایشان ابوبکر محمد بن مروان بن زهر ایادی (۴۲۲-۳۳۸ ق. / ۱۰۳۱-۹۴۹ م.) محدث و فقیه مالکی، وزیر اشبیلیه بود و بعد از وی فرزندش ابومروان عبدالملک بن محمد بن مروان بن زهر (د ۴۷۹ ق. / ۱۰۷۷ م.)، فقیه و طبیب بود که ابتدا به روش پدر به تعلم فقه و حدیث و... پرداخت و در ادامه به عنوان اولین فرد آل زهر به پزشکی رو آورد. از جمله آرای شگفت پزشکی وی آن بود که حمام آب گرم موجب برهم‌زدن اخلاط بدن و بدبویی آنست.

پس از وی ابوالعلاء زهر بن عبدالملک (د ۵۲۵ ق. / ۱۱۳۱ م.) بود که توجه خاصی به بیماران داشت، به خصوص بیمارانی که از خوردن دارو امتناع می‌کردند. وی ایشان را با انواع غذاها درمان می‌نمود. بعد از وی فرزندش ابومروان عبدالملک بن زهر و فرزند او ابوبکر محمد بن عبدالملک بن زهر و فرزند وی ابومحمد عبدالله بن محمد بن عبدالملک بن زهر بودند. قابل ذکر است دو تن از زنان ایشان نیز به طبابت اشتغال داشتند که یکی خواهر ابوبکر با کنیه «ام‌عمر» و دیگری خواهرزاده وی بود.

مشهورترین و مهم‌ترین شخصیت آل زهر، ابومروان عبدالملک بن زهر پسر ابوالعلاء است که در زمینه طب بالینی دارای کتب ارزشمندی است و این نوشتار به بررسی شخصیت

و آثار او می‌پردازد و بنا بر نقل دائره‌المعارف بزرگ اسلامی (۴) در منابع هر جا که از ابن زهر به طور مطلق نام برده شده، مراد همین «ابومروان عبدالملک بن زهر» بوده است.

ابن زهر

ابومروان عبدالملک بن زهر (د ۵۵۷ ق. / ۱۱۶۲ م.) طبیب و وزیر اشبیلی و از جمله نوادر پزشکی است که صاحب کتب گران‌سنگی در زمینه طب است و با نامداران این عرصه، همچون جالینوس، ابن سینا و رازی هم‌آوردی می‌نماید. از تاریخ ولادت او اطلاعی در دست نیست و متقدمین سالی را ذکر ننمودند، ولی برخی از معاصرین «سال تولد او را ۴۸۴ و یا ۴۸۷ ق. دانسته‌اند» (۵). او فن طبابت را نزد پدر فرا گرفت و در ادبیات و فقه نیز صاحب نظر شد و به قولی در زمینه طب، گوی سبقت از پدر هم ربود.

از همان اوان نوجوانی همراه با پدر به عیادت بیماران می‌رفت و از وی در زمینه شناخت امراض و ساخت دارو، دانش و تجارب ذی‌قیمتی تحصیل می‌نمود، لذا صاحب مهارت بسیار و تجربه فراوان گردید و همین امر موجبات اشتهار وی را فراهم نمود و باعث شد تا طالبان علم پزشکی از اطراف و اکناف عالم رو به سوی او کنند و از خرمن دانش وی بهره‌ها برند. در طبابت پیرو جالینوس بود، ولی آرای مستقلی نیز داشت که به انحای مختلف بیان می‌نمود.

شاگردان ابن زهر

وی شاگردان بسیاری به جامعه بشری تقدیم نمود که از جمله ایشان ابوالحسین بن اسدون معروف به مصدوم، ابوبکر بن ابوالحسن ابومحمد شذونی و ابوعمران بن ابوعمران می‌باشند (۶).

ابن زهر پزشک مخصوص

در جوانی، جهت درمان امیرمرابطی، به دربار مرابطون (دولت ما بین ملوک الطوائف و موحدون) راه یافت و در نزد او به مقام و منزلتی قابل توجه نائل آمد، سپس به جهت کینه و حقدی، به زندان افکنده شد. بعد از روی کارآمدن موحدون،

به عنوان پزشک مخصوص و وزیر مشاور موحدون به دربار عبدالؤمن راه یافت و در نزد وی از اعتبار بالایی برخوردار شد، به گونه‌ای که برای قدردانی از او، دو کتاب التریاق السبعین و الاغذیه خود را به نام وی نگاشت و به عنوان پزشک مخصوص، برای او شربت‌هایی می‌ساخت که نظیر نداشت (۶).

آشنایی با ابن رشد

ابن زهر در دورانی که پزشک مخصوص بود با فیلسوف برجسته، «ابن رشد» آشنا شد و به او و «موسی بن میمون» که به رازی غرب شهرت داشت، طبابت آموخت و بنا بر سفارش ابن رشد، کتاب «التیسیر» را نگاشت. ابن رشد نیز در کلیات خود، به نیکی از التیسیر نام برده و آن را از کتاب خود نیز برتر می‌داند و به طالبان پزشکی سفارش نموده تا به آن کتاب که در نوع خود بهترین است، مراجعه نمایند. وجه تمایز دو کتاب در این است که ابن رشد در کتاب خود به وصف کلی امراض پرداخته، در حالی که التیسیر وصف جزئیات بیماری‌هاست. «ابن رشد، ابن زهر را بزرگ‌ترین پزشک جهان بعد از جالینوس می‌دانست» (۷).

ابن زهر و طب بالینی

ابن زهر در زمینه طب بالینی به دانش فراوانی دست یافت، لذا در تشخیص امراض، از دقت نظر بالایی برخوردار شد، به گونه‌ای که ابی‌اصیبه در کتاب خود (۶)، روش‌های درمانی و دارویی وی را تحسین نموده و داستان‌هایی از مهارت او در درمان بیماری‌ها بیان کرده است.

سرانجام ابن زهر پس از عمری اشتغال به طبابت و درمان و تألیف در این مجال، مانند پدر به غده چرکینی مبتلا گردید و بر اثر آن بدرد حیات گفت و در مقبره خانوادگی خارج باب النصر به خاک سپرده شد.

برخی دیدگاه‌های پزشکی ابن زهر

ابن زهر به عنوان طبیب برجسته قرن پنجم و ششم هجری، صاحب نظرات و آرای در زمینه علم پزشکی و طبابت

است که با آزمایشات و مشاهدات بالینی بسیاری به آن دست یافته است. در این بخش به برخی از آن اشاره می‌شود.

ابن زهر اعتقادی فراوان به تجربه داشت و این مطلب را به صراحت در مقدمه التیسیر بیان نموده است. وی از معتقدین و بزرگان طب بالینی بود و با دقت زائدالوصفی آن را دنبال نموده و به تشخیص بیماری‌ها می‌پرداخت و با تفصیلی منحصر به فرد و بیش از متقدمین و معاصرین خود به توصیف بالینی امراض اقدام می‌نمود، لذا بیماری‌هایی همچون بثورات چرکی غشای خارجی قلب، غده‌های میان سینه، فلج گلو، جرب (پسی)، ورم روده، تورم گوش میانی، تاول‌های توموری و بیماری‌هایی که به سرطان معده می‌انجامد را به بهترین وجه ممکن، توصیف کرده است.

او به کالبدشکافی ایمان راسخ داشت و بارها بر روی استخوان مردگان تحقیق و بررسی می‌نمود. ابن زهر، از متقدمین انگل‌شناس بعد از الکساندر ترالسی بوده است و از جمله اولین کاشفین انگل جرب (پسی) بود که بعد از احمد طبری مسلمان معرفی شده است (۸). او در این زمینه کتاب صعوبات الجرب را تألیف نمود.

وی مرداب و هوای متضاد از آن را برای سلامتی مضر می‌دانست و از آن به جهت ایجاد و تشدید امراض نهی می‌نمود و در مقابل، هوای پاک را جهت سلامتی مفید می‌دانست و به استفاده از آن تأکید داشت. ابن زهر در درمان بیماران بسیار محتاطانه عمل می‌نمود. اعتقاد به تناسب مصرف دارو و شدت و ضعف بیماری داشت و معتقد بود که تجویز دارو چه مفرد باشد و یا مرکب، باید از مقدار کم شروع شود و به تدریج و بنا بر نتیجه حاصله از مصرف دارو و روند بهبود بیماری، مقدار آن کاهش و یا افزایش یابد و این خود نشانگر اساس تجربی طبابت وی بود که برآمده از مشاهدات دقیق بالینی بوده است.

ابن زهر روش بدیعی برای درمان یبوست مزاج داشت و آن تناول انگوری بود که درخت آن با آب محتوی داروی مسهل آبیاری شده باشد (۹). وی معتقد بود که دارو باید با موادی آمیخته گردد که دو ویژگی اساسی داشته باشد: اول آنکه دارو را به عضو یا اندام بیمار شده برساند؛ دیگر آنکه عوارض ناشی

از مصرف دارو را از بین برده یا به حداقل خود برساند. او عقیده داشت که اگر دارو را با قند یا عسل مخلوط شود، این عمل موجب رفتن مخلوط به کبد شده و کبد در برابر چنین موادی حساس است (۱۰). وی در ترمیم زخم نیز از عسل استفاده می‌نمود.

وی اولین پزشکی بود که به تغذیه مصنوعی و مستقیم از راه مری در صورت فلج‌بودن آن سفارش می‌نمود. «ابن زهر در اعمال جراحی نیز صاحب رأی و نظر بود (در فصل اول کتاب التیسیر خود در بخش امراض مری به طور مبسوط لوله‌گذاری در مری را توضیح داده است)، به گونه‌ای که عالمان غربی به وی لقب پدر جراحی آزمایشگاهی (حيواني) (Father of Experimental Surgery) داده‌اند. از جمله جراحی‌های وی درباره حیوانات، می‌توان به لوله‌گذاری در نای بز اشاره داشت» (۱۱). «او را در زمینه جراحی هم‌تراز زهراوی دانسته‌اند» (۱۲). وی همچنین در بخش اول کتاب التیسیر خود، تعدادی وسایل جراحی را بیان نموده است که از جمله آن انبوی (لوله‌ای) است که از نقره ساخته شده و برای درمان برخی از بیماری‌های معده و روده مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (۱۱).

کتاب ابن زهر

ابن زهر کتب ارزشمندی دارد که به زبان‌هایی مختلف، از جمله عبری ترجمه شده است. «از این جهت بعضی نویسندگان مغرب به خطا او را یهودی گفته‌اند» (۷) و از تمامی کتب و رسائل او تنها سه کتاب «التیسیر»، «الاغذیه» و «الاقتصاد» به جا مانده و از دیگر آثار وی، اثری در دست نیست. کتبی که برای او ذکر شده، به این شرح است:

۱- التذكرة في الدواء المسهل

نام کتابی ارزشمند از ابن زهر است که به عنوان جایزه برای فرزند خود تألیف نمود. کتاب درباره درمان امراض و یادآوری و استفاده به جا از داروهای ملین است که به گفته وی، اگر جانب احتیاط در مصرف چنین داروهایی رعایت نگردد، به سم تبدیل می‌شود. این کتاب با ترجمه فرانسوی و با نام «التذكرة» توسط گابریل کولن در سال ۱۹۱۱ م. به چاپ

رسیده و بار دیگر به پیوست کتاب «الطب و الاطباء فی الاندلس الاسلامیه» توسط محمد عربی خطابی منتشر شده است.

۲- تفضیل العسل علی السكر

عنوان کتابی دیگر از ابن زهر است که در آن به برتری عسل بر قند در ترکیبات دارویی اشاره شده است. این کتاب به کوشش محمد عربی خطابی در ضمن کتاب «الطب و الاطباء فی الاندلس الاسلامیه» به چاپ رسیده است.

۳- التیسیر فی المداواة و التدبیر

التیسیر عنوان معروفترین کتاب ابن زهر است که درباره آسان سازی معالجه و درمان است. شامل سی فصل می باشد. نویسنده پس از مقدمه ای در ارتباط با نسخه های سیمیای (مبتنی بر علوم خفیه)، به بررسی بیماری ها و درمان آن پرداخته است و بنا بر معمول آن زمان از بیماری های سرآغاز نموده و با امراض پا به انجام رسانده است «و گاهی احکام نجوم را با مشاهدات تجربی و داروشناختی درهم آمیخته و خرافه را با استدلال در کنار هم آورده است» (۴).

این کتاب اول بار به زبان عبری و بعد ایتالیایی و لاتین ترجمه شد و ترجمه های متعدد کتاب حاکی از رونق آن در مجامع و محافل علمی آن زمان بوده و تأثیر به سزایی در تحول و تطور دانش پزشکی در قرون وسطی داشته است. از جمله چاپ های این کتاب، دو جلدی است که در بیروت به چاپ رسیده و به پیوست آن کتاب «الجامع فی الاشرية و المعجونات» است که به منزله تکمله التیسیر می باشد. همچنین چاپی از آن بر اساس چهار نسخه خطی به همت «دکتر محی الدین صابر» توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی انجام پذیرفته که شامل سه فهرست (موضوعات، مصطلحات [طبی، ادویه مفرد و مرکبه] و اعلام) می باشد. به کتاب التیسیر در پایان معرفی کتب، در بخش خاصی پرداخته می شود.

۴- القانون المقتضب

نام کتاب دیگر ابن زهر است که در آن از انواع بیماری های جسمانی سخن به میان آورده و امراضی که اعضای مهم بدن را مبتلا می سازد، توضیح داده است و بنا بر قولی وی این کتاب را برای خلیفه موحدی عبدالمؤمن بن علی تألیف نموده

است. فصلی از آن توسط محمد عربی خطابی در پیوست کتاب «الطب و الاطباء» در بیروت به چاپ رسیده است.

۵- مقالة فی علل الکلی

نام دیگر کتاب اوست که اثری از آن در دست نیست و در رابطه با بیماری های کلیوی (در مقاله بررسی نوشتار ابن زهر اشیلی اندلسی... به بیماری های طاسی ترجمه شده است) (۱۳) است. این کتاب نیز به لاتین برگردانده شده، ولی اطلاعی از مترجم و یا محل انتشار آن موجود نیست.

۶- التریاق السبعین

نام کتاب دیگر اوست که آن هم موجود نیست و همان گونه که از نامش پیداست، درباره پادزهری بوده که از هفتاد دارو ترکیب می شده و برای امیر موحدین نگاشته شده است.

۷- فی علتی البرص و البهق

نام رساله دیگری از اوست که در دست نیست، ولی از عنوان کتاب می توان دریافت که در مورد پیسی و بهک و تفاوت آن دو می باشد.

۸- الاغذیة

نام یکی از کتب خطی اوست که موضوع آن مواد غذایی و خواص درمانی آن است و بنا بر قولی این کتاب نیز برای خلیفه موحدی عبدالمؤمن بن علی نگارش شده است.

۹- الاقتصاد فی اصلاح الانفس و الاجساد

دیگر کتاب خطی اوست که برای امیر مرابطی ابراهیم بن یوسف بن تاشفین نوشت و نسخه هایی از آن در کتابخانه های دنیا وجود دارد. در مبحث کسر عظام (شکستن استخوان) این کتاب درباره تشریح استخوان می گوید: «علم تشریح استخوان آسان است و طبیب را کافی است که یک بار آن را به دقت ببیند و به جای خود قرار دهد» (۷).

۱۰- اشرية و معاجن لما یحدث فی البدن من الامراض و مختصر

کتاب حلیة البرء لجالینوس

عنوان دو کتاب خطی دیگر اوست که اولی در خصوص روش تهیه شربت ها و معجون های دارویی بوده و در امر درمان بیماری ها مورد استفاده قرار می گرفته است؛ دومی خلاصه کتاب «حلیة البرء» (زینت سلامت) جالینوس است. همان کتابی

که بنا بر مطلب آمده در دانشنامه بزرگ اسلامی (۵) پدرش او را اجبار نمود که در خردسالی آن را حفظ کند. این دو نسخه خطی در کتابخانه عبدلیه تونس نگهداری می‌شود.

در این قسمت از مقاله به جاست درباره کتاب التیسیر ابن زهر بیشتر بدانیم.

«التیسیر فی المداواة و التدبیر» مهم‌ترین کتاب پزشکی ابن

زهر

این کتاب گنجینه گران‌بهایی از منابع طب دوران فرهنگ و تمدن اسلامی است که در نیمه قرن ششم قمری نگارش یافته است. «و از وجاهت علمی بالایی برخوردار بوده، به گونه‌ای که تا قرن ۱۸ م. به عنوان کتاب درسی در دانشگاه‌های اروپا، مانند دانشگاه لوفان و مونبیلیه تدریس می‌شده است» (برگرفته از مقدمه التیسیر فی المداواة و التدبیر) (۱۴).

تاریخ تألیف کتاب، به اواخر حیات علمی نویسنده برمی‌گردد، یعنی زمانی که وی تجارب بسیار کسب نموده و مشاهدات بالینی فراوانی به دست آورده بود، لذا کتاب نشان دهنده بلوغ و نضج علمی و تجربی مؤلف آنست. از همین روست که خود وی خواندن آن را برای افرادی که عمر خود را در این رشته گذرانده‌اند، مفید فایده می‌داند.

سبب تألیف کتاب، درخواست دوست وی ابن رشد بوده تا مؤلف کتابی بنگارد که دربرگیرنده آزمایشات و مشاهدات او باشد. وی نیز این تقاضا را اجابت نموده و آن را نگاشت. کتاب تماماً آرای نویسنده آن است. این مطلب با نگاهی به فهرست اعلام کتاب کاملاً مشهود است، البته در موارد نادری، نظرات پدر و بزرگان این فن، را بیان نموده و با دقت نظر به نقد و بررسی آن پرداخته و در نهایت نظر خود را اظهار داشته است. وجود الفاظ و کلمات فارسی مانند جگر، گرد و مانند آن در لا به لای سطور کتاب، نشانگر ارتباط عمیق مؤلف آن با ایرانیان بوده است. همچنین کتاب مملو از اصطلاحات پزشکی است که بیان‌کننده عبارات طبی و رایج آن زمان است.

از دیگر ویژگی‌های کتاب فصل‌بندی دقیق و بی‌نظیر آنست که به شیوه‌ای دائره‌المعارفی است. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه درباره حفظ الصحه شروع شده و در ادامه در دو فصل به

تبیین امراض و بیماری‌های سر تا قدم پرداخته است. بخش نخست از بخش دوم طولانی‌تر است و با روشی منظم و منسجم و به دور از تشتت و پراکندگی مطالب، به بیان بیماری‌ها و درمان آن پرداخته است. در جزء اول به ذکر بیماری‌های بالاترین عضو بدن یعنی سر پرداخته و این بیان را تا بیماری‌های سینه و پرده صفاق دنبال می‌کند؛ در جزء دوم به ذکر بیماری‌های قسمت تحتانی بدن و درمان آن پرداخته و با تبیین انواع تب و بیماری‌های دریانوردان و امراض وبایی به پایان می‌رساند. به ضمیمه کتاب، قسمتی است به نام «الجامع فی الاشرية و المعاجن» که دربرگیرنده انواع درمان با اقسام نوشیدنی‌ها و معجون‌ها و روغن‌ها است. به گفته نویسنده، او قصد تألیف آن را نداشته و از طرف حاکم وقت «اشبیلیه» به این امر مجبور شده است.

روش نگارش کتاب، روشی آموزشی و تعلیمی است. خواننده با قرائت آن، خود را در محضر استادی می‌بیند که القای درس می‌نماید و گاه برای تلطیف فضای درس و بحث، خاطرات شخصی خویش را نیز بیان می‌دارد.

از ویژگی‌های دیگر این کتاب علمی آن است که برخلاف دیگر کتب علمی، خشک و بی‌روح نیست، بلکه برخوردار از ترکیبات و جملاتی ادبی است که نشانگر توانایی و ذوق ادبی نویسنده آن می‌باشد. همین امر موجبات انبساط خاطر خوانندگان و جذابیت کتاب را فراهم می‌سازد.

صفحات کتاب مشحون از ارادت و اعتقاد مؤلف آن به یگانگی حق و تسلیم در برابر اراده حکیمانه اوست. این معنی، از شیوه کتابت وی هویداست؛ زمانی که با دقت هرچه تمام‌تر بیان مسأله می‌کند. با استدلال علمی و منطقی به تحلیل و بررسی آن می‌پردازد، سپس آن را به بوته آزمایش می‌سپارد و سرانجام نتیجه آزمایش را، در گرو خواست حق می‌داند، یعنی اراده خدا را بالاتر از همه موجودات می‌بیند.

او در مقام توضیح و تقریر بیماری‌ها و امراض برای شاگردان خود، از آیات قرآنی و احادیث نبوی نیز مدد می‌گیرد. وی ابتدا بیماری و مرض را می‌گوید و سپس راه علاج آن را تبیین می‌نماید.

در پایان این بخش برای آشنایی با اسلوب نگارش التیسیر، سطورى از آن که در رابطه با کبد و بیماری‌های آن است آورده می‌شود. نویسندگان در این قسمت به اهمیت عضو کبد اشاره نموده و آن را از اعضای اصلی بدن می‌دانند که بنا بر قول ارسطو حرارت آن از حرارت قلب است و اعمال بزرگی انجام می‌دهد. بنا بر سخن بقراط با سلامت کبد، انسان به سلامت دست می‌یابد و کبد سرچشمه قوای طبیعی است که هضم و جذب و دفع را انجام می‌دهد ... پس هر زمانی که کبد دچار ضعف شود، بدن نیز دچار بیماری و آفت می‌شود که از جمله آن، بیماری استسقاء است.

«ذكر الكبد و أمراضها: و الكبد أحد الأعضاء الرئيسية و ارسطو (الفيلسوف) يرى أنَّ الأصل في حرارتها الطبيعية حرارة القلب و الأطباء يرون أنَّ الكبد بذاتها عضو رئيسي يكون له بذاته آثار جسيمة و لذلك قال أبقراط ان كنا أنحيا حياة طيبة فبصحة أكبادنا و الكبد ينبوع القوة الطبيعية التي (بها) يكون الهضم و الانضاج و الجذب و الدفع... فمتى أصاب قوتها المغيرة ضعف عرضت في البدن آفات بسبب ذلك الضعف كالاستسقاء» (۱۴).

نتیجه‌گیری

آغاز حکومت مسلمین در اندلس (اسپانیای کنونی)، دوران ازدهار فرهنگ و تمدن اسلامی است. دورانی که مسلمین در زمینه‌های مختلف علمی به بالندگی و شکوفایی نائل آمدند و عالمان برجسته‌ای را به جامعه بشری تقدیم نمودند، از جمله ایشان آل زهر بود که در زمینه طب گوی سبقت از همگنان ربوده و آوازه‌شان از اروپای مسیحی هم فراتر رفته بود. مشهورترین ایشان ابومروان عبدالملک بن زهر معروف به ابن زهر است که در منابع هر جا اسم ابن زهر به طور مطلق آمده، مراد همین عبدالملک بن زهر می‌باشد. وی از جمله نوادر پزشکی بود که با بزرگانی چون جالینوس، رازی و ابن سینا مقایسه می‌شد. او کتاب‌هایی در زمینه طبابت نگاشت که مشهورترین آن «التیسیر فی المداواة و التدبیر» است که در اواسط قرن ششم قمری نگارش یافت و از وجاهت علمی بالایی برخوردار بود، به گونه‌ای که تا قرن ۱۸ م. در دانشگاه‌های اروپایی تدریس می‌شد. آن کتاب حاصل آزمایشات و مشاهدات ابن زهر در طی دوران طبابت او بوده است. ابن زهر در زمینه

ابن زهر طبیبی شاعر

همان‌گونه که پیش‌تر آمد، ابن زهر در زمینه ادب و فقه نیز صاحب نظر بود. وی اشعار گران‌قدری در زمینه‌های مختلف حکمت، زهد، اخلاق و... داشت که از جمله آن ابیات حکمی زیر است و در آن اشاره به تغییر و تحول انسان دارد و بیان می‌کند که او، خود را در آینه صیقلی دیده و نشناخته است. پیش از این وقتی مقابل آینه می‌ایستاد، جوانی می‌دید، ولی اکنون پیرمردی می‌بیند. خطاب به آینه کرده و می‌گوید: آن جوان که قبلاً اینجا بود، کجاست؟! و کی از اینجا سفر نمود. آینه خود را به جهالت زده و با زبان بی‌زبانی گفت که اینجا بود و رفت و اکنون به جای او این پیر آمده. ناراحت نباش، زیرا آن هم ماندنی نیست. آیا گیاهان را نمی‌بینی که بعد از رویش خشک می‌شوند و آنکه زیبارویان دیروز به او برادر می‌گفتند، امروز به او پدر می‌گویند!!

إِنِّي نَظَرْتُ إِلَى الْمِرْآةِ إِذْ جَلَيْتْ
و كُنْتُ أَعْرِفُ فِيهَا قَبْلَ ذَاكَ فَنِي
فَأُنْكِرْتُ مُقْلَتَايَ كُلَّ مَا رَأَيْتَا
مَتَى تَرَحَّلُ عَنْ هَذَا الْمَكَانِ مَتَى
قَدْ كَانَ ذَاكَ وَهَذَا بَعْدَ ذَاكَ أَنِي
أَمَّا تَرَى الْعُشْبَ يَفْنَى بَعْدَ مَا نَبَتَا
كَانَ الْغَوَانِي يَقْلَنُ يَا أَخِي فَقَدْ
صَارَ الْغَوَانِي يَقْلَنُ الْيَوْمَ يَا أَبَتَا

و یا در ابیات دیگری (که وصیت می‌کند به روی سنگ مزارش بنویسند) اشاره به طبابت خود دارد. از ایستاده بر مزار خویش می‌خواهد تا تأمل و اندیشه کند که چگونه او بدان مکان برده شد و خاک قبر بر صورتش قرار گرفت. تو گویی تا به حال زنده نبوده و بر روی زمین قدم نگذاشته است و آنکه روزی مردم را مداوا کرده و از مرگ نجات می‌داد، اکنون دردستان مرگ اسیر شده است.

تأمل بحقك يا واقفاً
تراث الضريح على وجنتي
و لاحظ مكاناً دُفَعْنَا إِلَيْهِ
كَأَنِّي لَمْ أَمْشِ يَوْمًا عَلَيْهِ
أَدَاوَى الْأَنَامِ حَذَارِ الْمُنُونِ
و هَا أَنَا قَدْ صِرْتُ زَهْنًا لَدَيْهِ (۳)

فقه و ادب نیز تبحر داشت و ابیاتی گرانقدر از وی به یادگار مانده است. البته او طبیبی شاعر بود و نه بالعکس.

References

1. Ibn Khaldun A. Introduction by Ibn Khaldun. No Place: Dar al-Fekr; No Date. p.493.
2. Jesus Beck A. Mujam al-Odaba al-Atebba. Egypt: Fathollah Elyas Yuri & His Sons; 1942. P.174-523.
3. Ibn Khallekan A. Vafayat Ala'yan. Translated by Ehsan A. 4th ed. Beirut: Dar Assader; 1972. Vol.1 p.434.
4. Ibn Khallekan A. The Great Islamic Encyclopedia. No Place: No Name; No Date. p.631-633.
5. Islamic Encyclopedia Center. Great Islamic Encyclopedia. Article N.1275.
6. Ibn Abi Osaybe'e M. Oyun al-Anba' fi Tabaghat al-Atebba. Beirut: Dar Maktaba al-Hayat; 1965. p.518-521.
7. Dehkhoda A. Dictionary. Tehran: Majles; 1325 AH. Vol.2 p.316.
8. Sarton G. An Introduction to the History of Science. No Place: No Name; No Date. Vol.2 p.1315-1317.
9. Zarkub A. Repert card of Islam. Tehran: Amir Kabir; 1376 AH. p.55.
10. Avenzoar (Ibn Zuhr) Andalusian. Attazkera. No Place: No Name; No Date. p.290-291.
11. Writers Group. Surgical Instruments and Treatises in the Islamic Period. Available at: <http://www.rasekhoone.net>.
12. Allahuee Z. Medicine and Pharmacy in Andalusia. Howze site. Available at: <http://www.howzah.net>.
13. Jahed H, Soltani Fard F, Pasalar M. The Study of Ibn Zuhr Ashbili Andalusian Text on Medical Thoughts Attysyr book. *Journal of Medical History* 2008; 6(18): 71-92.
14. Avenzoar (Ibn Zuhr) Andalusian. Attysyr. Translated by Esfahani M. Tehran: Institute of Medical History Studies, Islamic and Complementary Medicine of Iran University of Medical Sciences; 1413 AH. p.185-186.